

عماد - حمزه (۱۴۵۳) . جایگاه پایگاه . تهران : افروز و همکاران
دانشپژان

پایگاه و نقش

«دنیا همانند يك صحنه» از ویلیام شكسپير

۱۶۱۶ - ۱۵۶۴

تمام دنيا صحنه تئاتری است.

که مردان و زنان در آن فقط بازیگر هستند.

از يك در وارد و از در دیگر خارج می شوند

هر کسی نقشهای بسیاری بر عهده دارد

و در هفت پرده چنین بازی میکند.

پرده اول :

کودکی در آغوش دایه اش می گیرد و دست و پا می زند.

پرده دوم :

پسر بچه ای در حالیکه کیف مدرسه بدستش گرفته می گیرد.

صورتش مانند آفتاب می درخشد، بی میل

همانند حلزونی به طرف مدرسه می خزد.

پرده سوم

عاشقی است که از تب عشق آه می کشد و

ترجیع بندی در وصف کمان ابروی دلدار می سازد.

پرده چهارم

سربازی است پر از ناسزاهای عجیب که بر لب دارد

مفهوم پایگاه و نقش، نقش عمده و ضروری در

تحقیقات جدید جامعه شناسی ایفا میکند.

این مفاهیم به موقعیت هایی که در داخل يك ساخت

اجتماعی وجود دارد اشاره می کند و به انتظاراتی که دیگران

از رفتار صاحبان این موقعیت ها دارند مربوط می شود.

از يك فرد فیزیکدان انتظار می رود که مطابق زندگی

حرفه اش رفتار کند حرفه ای که با اجازه انجام دادن بعضی

کارها را امیدوار برخی حکمها را نیز برای او ممنوع می کند.

هر شخصی در يك ساخت اجتماعی پایگاههای متعددی

را اشغال میکند و باین خاطر مجبور است به مقتضای این

پایگاهها، نقشهای اختصاصی ایفا کند.

با وجود این گاهی اوقات به مجموعه پایگاههای يك

فرد در اجتماع اشاره میشود که در مجموع دلالت میکند بر

پایگاههای غیر رسمی که میتواند اشغال کند.

نظیر آنچه «رالف لیتون» در مورد پایگاههای فرضی

شخصی نظیر اسمیت ارائه داده است، مجموعه پایگاهها

نظیر يك شهر نشین، يك وکیل، فراماسیونر، مدیست، و يك

شوهر و نظایر آن *

* در ترجمه اشعار شكسپير در پرده پنجم و ششم از ترجمه

دکتر صورتگر کمک گرفته شده است.

مثل پلنگ پر پوست
خیلی با شرافت است، تند و سریع در نزاع
و حتی در جلوی توپ
در جستجوی شهرتی است پوچ
شهرتی که مانند حباب روی آب است.

پرده پنجم

و در پرده عدالت، دادستانی پدیدار می شود که
خوب چاق شده است و شکمی فربه دارد
و چشمانش در پی ایرادگیری است
باری می مزین شده
سخنانش با ضرب المثل های عاقلانه و افکار حکیمانه همراه است.
و بازیش را ادامه می دهد و می گذرد.

پرده ششم

شبیه پانتالون می گردد.
با عینکی روی دماغ و چهره ای چروکیده
کفش راحتی بر پا کرده و انگار از پیمودن
جهان بر خود می لرزد
و صدای مردانه اش به صدای زیر بچگانه مبدل گشته
و صدایش با صغیر سوت آمیخته است.

صحنه آخر

دوباره به دوره کودکی بر می گردد.
تا تاریخ زندگی پر حادثه و عجیبش را تمام کند.
بدون دندان، بدون چشم، بدون احساس ذائقه و بدون هیچ چیز دیگر

(۱) دلتکی لاغر در نمایشنامه های کلاسیک (مترجم)

دل (نقش) - تضاد در دل - پوزی شن

یکی از مطالب مورد بحث جامعه شناسی جدید چیزی است که
به آن تضاد در دل میگوئیم .

بطور کلی نظام اجتماعی را میتوان چنین تعریف کرد .
«نظام اجتماعی عبارتست از شبکه ای که افراد شاغل آن بر طبق
آداب و مقررات خاصی با یکدیگر برای هدف معینی یعنی ارضای
احتیاجات فردی و اجتماعی و اکنش متقابل دارند» .

نظام اجتماعی به واحدهایی تجزیه می شود از جمله :

Position - که عبارت است از موقعیت معین و مشخص در
داخل شبکه نظام اجتماعی
هر پوزی شن دو جنبه دارد :

الف - مسئولیت ها و وظایف : **Role** یعنی هر کسی که این
موقعیت را در داخل شبکه نظام اجتماعی داشت، دیگران از او توقعاتی دارند.

ب - مزایا و حقوق : **Status** به صرف اشتغال این موقعیت باو
پادشاهی تعلق می گیرد .

تضاد در دل بر چند نوع است و آنچه مورد بحث است این است که :
(وقتی ما در یک نظام اجتماعی هستیم، در معرض توقعات متفاوت
میباشیم و این معمولاً معلول این است که وظایف و مسئولیت های شخص

سپه به که برنا بود ز آنکه پیر
میانجی کند چون رسد تیغ و تیر

به کام از جوانی توانی رسید
چو پیری رسد گوشه باید گزید^۱

ترکی صفتی وفای ما نیست
ترکانه سخن سزای ما نیست
آن کز نسب بماند زاید
او را سخن بلند بایند^۲

بر طبل تهی مزن جرس را
پیکار میدان نوای کس را
هر ذره که هست اگر غباریست
در پرده مملکت بکاریست^۳

چو بخشاینده و بخشنده جمود
نخستین مایهها را کرد موجود
بهر مایه نشانی داد از اخلاص
که او را در عمل کاری بود خاص^۴

در داستان معروف لیلی و مجنون، لیلی که به عقد ابن سلام در آمده
است بین انتخاب او و عشق مجنون دائم با خود در ستیز است، از طرفی
چون ازدواج کرده بخاطر توقعی که جامعه از او دارد باید به شوهر
وفادار بماند و از طرف دیگر مجنون او را بطرف خود می کشاند (تضاد
در دل). و او بناچار این ابیات را وصف حال خود میگوید :

- ۱ - شرفنامه ص ۲۳ سطر ۱۴ ۲ - لیلی و مجنون ص ۲۶ سطر ۱-۲
۳ - لیلی و مجنون ص ۱۷ سطر ۱۱-۱۲ ۴ - خسرو شیرین

کاملاً تعریف نشده باشد) *

در اشعار نظامی، هرگاه از رل و نقش و یا پاداشها صحبت رفته،
اکثراً جنبه‌ای را در نظر داشته که دال بر ذاتی بودن این مفاهیم است.
و یا نقشها را در رابطه پیری و جوانی بیشتر در نظر آورده است.
در حقیقت در این زمینه اشعار نظامی اکثراً نقش متوقع از جوان و پیر
را بیان می کند.

بسرور جوانی و نوزادگی
ز دم لاف پیری و افتادگی
کنون گر بغم شادمانی کنم
به پیرانه سر چون جوانی کنم^۱

چهل چهل گشت و خلوت هزار
ببزم آمدن دور باشد ز کار^۲

چو آرد کسی را جوانی بجوش
گنه پیر دارد که ماند خموش^۳

ز پیران دو چیزست با زیب و ساز
یکی در ستودان یکی در نماز
جهان به جوانان جنگ آزمای
رهاکن فروکش تو پیرانه پای
تن ناتوان کی سواری کند
سلاح شکسته چو یاری کند^۴

- * عبارات داخل (پرانتز) از درس مقدمات جامعه شناسی (دکتر نظامی) میباشد.
۱ - شرفنامه ص ۳۵ - سطر ۱۰-۱۲ ۲ - شرفنامه ص ۲۴ - سطر ۶
۳ - شرفنامه ص ۲۲۹ سطر ۱۰ ۴ - شرفنامه ص ۱۲۹

از يك طرفم غم غريبان
وزسوی دگر غم رقیبان
من زین دو علاقه قوی دست
درکش مکش اوفتاده پیوست
نه دل که بشوی برستیزم
نه زهره که از پدر گریزم
که عشق دلم دهد که برخیز
زین زاغوزغن چو کیم بگریز
که گوید نام و ننگ بنشین
کز کیم قوی تر است شاهین

قشر بندی (تشکیل طبقات)